

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

רבי מנחם מנדל שינרסון

Torah studies **ترجمه کتاب**

از رבי جانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:

Mr. Parviz Mojdehi

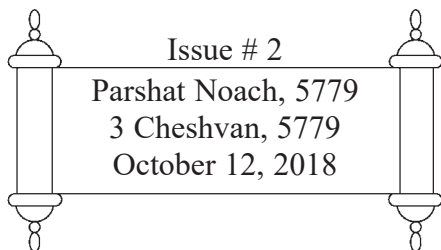
*

Reprinted with permission by:

Chabad Persian Youth

&

Moshiach Awareness Center



Friday, October 12, Light Shabbat Candles, by 6:04 p.m.

Saturday, October 13, Shabbat ends at 7:06 p.m.

(Times are for Los Angeles)

IN HONOR OF

Dr. David ben Rachel (Roza) שיח'י Makhani, DDS
on the occasion of his birthday, 3 Mar-Cheshvan, 5779

May you go from strength to strength
in health, happiness, Torah and mitzvot.

*

DEDICATED BY HIS FAMILY שיח'י

This week's issue is sponsored in part by:

B"H

YOSEF Y. SHAGALOV

Traveling Notary Public & Home Signing Agent

Member: National Notary Association

Cell Phone: (323) 934-7095 • Fax: (323) 934-7092

E-mail: yys770@aol.com

"For All Your Notary Needs - At *Your* Location"

Raz Hen
Seismic Retrofit Analyst

310.210.7705
855.675.0555

RazHen@CalRetrofit.com
www.CalRetrofit.com

6900 Canby Ave #108
Reseda CA 91335

Cal Retrofit
Engineering • Construction • Management
LIC #1022167

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

Reprinted with permission by:

CPY

&

Moshiach Awareness Center,

a Project of:

Enlightenment For The Blind, Inc.

602 North Orange Drive.

Los Angeles, CA 90036

Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092

http://www.torah4blind.org

e-mail: yys@torah4blind.org

Chabad Persian Youth

9022 W Pico Boulevard.

Los Angeles, CA 90035

Tel.: (310) 777-0358

Fax: (310) 777-0357

http://www.cpycenter.org

e-mail: cpycenter@sbcglobal.net

Rabbi Hertzal Peer, Executive Director

Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director

Printed in the U.S.A.

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

نُوح

در این مبحث دو موضوع مختلف از این پاراشا مورد بررسی قرار می گیرد. اول بزرگی و پاکی "شم و یافت" در اینکه چگونه پدر برهنه شان را پوشانیده و از نگاه کردن به برهنگی پدرشان خودداری کردند و دوم صحبت از آن می شود که چگونه تورا بجای استفاده از یک کلمه «طامع» از چند کلمه طولانی تر استفاده کرده است که عفت در کلام و پاکی در سخن گفتن را به ما آموزش بدهد و سپس راه حل این معما را مورد بحث قرار میدهد که چگونه همزمان از یک طرف می بایست دیگران را اصلاح کرد و از طرف دیگر نمی بایست به خطای دیگران توجه نمود

۱- عفت کلام و پاکی نگاه

در پاراشای این هفته آمده است که از میان حیوانات پاک و از میان حیواناتی که پاک نبودند "دو تا دوتا نزد نوح آمده و وارد کشتی شدند".^۱ در تلمود توضیح میدهد که هرگز کلام ناخوشایند از دهان انسان نمی بایست خارج بشود. چرا که تورا از طریق معمول خودش خارج شده و از هشت کلمه اضافی استفاده می کند (رجوع شود به متن اصلی در تورا) تا از ادای یک کلمه ناخوشایند (طامع) اجتناب^۲ کند. راشی اینگونه تفسیر می کند که کلمه "طامع"^۳ می توانست بجای هشت کلمه "پاک نبودند" استفاده بشود و علت اینکه تورا از کلمات بیشتر استفاده نموده آن است که به ما این درس را بدهد که سخن انسان همیشه می بایست عاری از کلمات ناخوشایند باشد (حتی اگر این سخن طولانی تر هم بشود)

این پاراشا علاوه بر اینکه به ما می گوید که چگونه انسان باید سخن بگوید همچنین به ما تعلیم میدهد که انسان چگونه چیزهایی را نباید ببیند. شم و یافت "پسران نوح" آنچنان متوجه بودند که به پدرشان در حالت عریانی نگاه نکنند که تورا به ما می گوید "آنها از پشت می رفتند و چهره آنها به عقب بود و برهنگی پدرشان را ندیدند" و^۴ پاداشی که گرفتند تاکید بر درستی عمل آنها بود. "متبارک باد خدای خالق شم و کنعان غلام او باشد. خداوند یافت را وسعت و بزرگی داده و او در چادرهای شم ساکن بشود".^۵



Office Machines
LA's Easy Office Solution

In Business Since 1990

**SALE • SERVICE • REPAIR
RENT • LEASE**

- COPIERS
- LASER PRINTERS
- FAX
- TYPEWRITERS

ISAAC
310-557-0702
FREE PICK-UP
& DELIVERY

1439 S. ROBERTSON BLVD., LOS ANGELES, CA 90035
www.ezofficemachines.com

۳- کلمه عبری به معنای ناپاکی

۱- برشیت ۸، ۷ ۲- پساخیم ۳ الف

۴- برشیت ۹، ۲۳ ۵- برشیت ۲۶، ۲۷

اما مطلب کمی گیج کننده است. از این مطلب که شم و یافت از پشت می رفتند موضوع روشن است که آنها وضعیت و حالت پدرشان را ندیدند پس آیا "کلمات برهنگی پدرشان را ندیدند" ظاهرا اضافی و بی مورد به نظر نمیرسد؟

۲- آئینه منعکس کننده خطاها

گفته ای از بعل شمطو ۶ وجود دارد از این قرار که اگر کسی عیبی را در کس دیگری می بیند این علامتی است که خود او این عیب را دارد. به عبارت دیگر او خودش را در آئینه ای می بیند. اگر چهره ای را که می بیند پاک نیست چهره خود اوست.

حال ممکن است که بپرسیم چرا انسان نمی تواند بدون آنکه خودش عیبی داشته باشد، عیب دیگران را تشخیص بدهد؟ و جواب آن است که شخینای هشم (حضور الهی) در همه افراد وجود دارد اگر ما عیب و کمبودی را در دیگران می بینیم هدف از تشخیص این کمبود در دیگران آن است که خداوند می خواهد کمبودها و معایب خود ما را به ما نشان بدهد. حال سؤال در این است که چرا به این گونه و از طریق وجود دیگران؟ و جواب این است که "عشق تمامی عیب ها را می پوشاند" ۷ و اولین عشق انسان که بسیار هم قوی و آتشین است نسبت به وجود خودش است بنابراین انسان نسبت به کمبودها و معایب خود کور است و خودش نمی تواند معایب خودش را ببیند و لازم است که به او این معایب را در شخص دیگری نشان داد که آنرا بر روی خودش منعکس کرده و نظیر آنها را در زندگی خودش ببیند و خودش را اصلاح کرده به طرف کمال بکشاند.

اما وظیفه یک شخص بیسراطل این نیست که تنها خودش را کامل کند بلکه باید دیگران را نیز بطرف کمال بکشاند. "تو حتما می بایستی به رفیقت گوشزد کنی، حتی برای یکصد بار..."^۸ به این ترتیب وقتی که او کمبودهای رفیقش را می بیند خداوند می خواهد که او به رفیقش یاری دهد که کمبودهایش را اصلاح کند و نه اینکه فقط آنها را انعکاس ضعف خود بداند و فقط سعی در اصلاح خود بکند.

به عبارت دیگر وجود هر فرد یهودی به خودی خود یک هدف است و نه یک وسیله، که دیگران از آن استفاده کنند و معایب خودشان را اصلاح کنند. پس چگونه است که از ما انتظار می رود که از وجود رفیق مان برای اصلاح خودمان سود ببریم؟ بدون اینکه هیچگونه نفعی را به او برسانیم؟

**To Place Your Advert
Here:
call (323) 934-7095**

۴- عظمت شم و یافت

و این مطلب توضیح این کلمات تورا است که چرا بعد از اینکه تورا می گوید شم و یافت از پشت میرفتند اضافه می کند که آنها برهنگی پدرشان را ندیدند؟ تاکید تورا در اینجا بر این است که آنها نه تنها جسم و بدن پدرشان را ندیدند بلکه آنها حتی متوجه خطای او هم نشدند و تنها متوجه آن بودند که چه باید بکنند و چه کاری باید انجام بشود که (او را پارچه ای پوشانیدند) و خام برادر سوم پدرش را دید و به این ترتیب از نظر معنوی نزول کرد.

این داستان به ما می گوید که نه فقط ما نمی بایست در مورد کمبودها و معایب دیگران صحبت کنیم "آنگونه که خام در مورد پدرش با برادرانش" صحبت کرد" بلکه نمی بایست حتی در مورد آنها فکر هم بکنیم مگر تنها در زمانی که می خواهیم آنها اصلاح کنیم و هر کس که این اصل را دنبال کند در این پاداش شم و یافت شریک است که "متبارک باد خداوند خالق شم و یافت. خداوند، یافت را وسعت و بزرگی بدهد". و به این ترتیب ما به ایجاد وحدت و عشق و برادری در میان همه بیسرائل ها کمک کرده و در نهایت موجبات آمدن ماشیح را فراهم می کنیم .
منبع (لیکوتی سیخوت جلد ۱۰- ص ۲۴ الی ۲۹) (Source: Likkutei Sichot, Vol. 10, pp. 24-29)

پس بنابراین شاید علت اینکه او این معایب را در وجود رفیقش می بیند این است که این عیب ها متعلق به رفیق اوست؟ شاید او می بایست این معایب را به رفیقش گوشزد کند که او خودش را اصلاح نماید؟

۳- توجه و اصلاح

برای درک این مطلب ما می بایست به ادامه گفتار بالا از تلمود اشاره کنیم که "انسان همواره می بایست به طریق درست و پاک صحبت کند."

تلمود بعد از آوردن مطلبی مشابه می پرسد ولی آیا در تورا به کلمه «طامه» اشاره نشده است؟ پس چرا در جمله بالا "انسان همواره می بایست ... بطور ضمنی از ماخواستنه شده است که از استفاده از آن اجتناب کنیم . در حالیکه در خود تورا کلمه «طامه» در بیش از یکصدبار مورد استفاده قرار گرفته است؟

توضیح این است که در متون قانونی (هلاخا) واضح بودن و روشن شدن مطلب برپاک بودن و منزه بودن کلام ارجحیت دارد و به این خاطر کلمه "طامه" استفاده شده است اما در متون داستانی استفاده از کلمات پاک و تمیز مهم تر است و ارزش آنرا دارد که حتی به بهای استفاده از کلمات بیشتر از استفاده از کلمات ناخوشایند اجتناب نمود.

بنابراین، این استفاده تورا از کلمه «طامه» با این اصل که تا آنجا که مقدور است انسان همواره می بایست به طریق درست و پاک صحبت کند. تضادی ندارد در واقع حتی در متون قانونی (هلاخا) زمانی که قانون مستقیماً با «طوما» (ناپاکی) سروکار ندارد و فقط از آن می گذرد تورا هنوز ترجیح میدهد که از کلمات بیشتر استفاده کرده و از این کلمه استفاده نکند.^۹

این موضوع نه فقط مربوط به سخن گفتن می باشد بلکه به نگاه کردن هم مربوط می شود. زمانی که کسی می بیند که شخص دیگری عمل نادرستی انجام میدهد. اولین کاری که باید بکند آن است که به هلاخا رجوع کند. یعنی وظیفه ای که از او انتظار می رود را انجام بدهد. به آن شخص نزدیک شده و سعی کند با احترام و سیاست خطایش را به او گوشزد کند.

اما زمانی که انسان این خطا را در دیگران به عنوان کمبود و عیب می بیند و نه به عنوان عملی که باید آنرا اصلاح کرد این دلیل آن است که آن شخص یک آئینه است و این عیب در وجود خود اوست .